



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 11, No. 1, 2022
Research Paper

Similarities and differences between six structural patterns in examining the coherence of the text of the Qur'an

Sajedeh Nabaei, Soheila Jalali Kondori, Nosrat Nilsaz

Ph.D. Student, Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Associate Professor, Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Associate Professor, Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of literature and human sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The analysis of the cohesion and coherence of the text of the Qur'an based on structural patterns is one of the new approaches in the study of Quranic sciences, although, paying attention to the order and appropriateness of the divine word in Islamic studies has a long history and it goes back to the first centuries of the advent of Islam. Among these, six patterns have been more successful named after their designers. Most of these patterns belong to researchers of Quranic sciences and are designed specifically to discover the appropriateness of the divine word, and only Halliday and Hasan's pattern is general and applicable to other texts. The purpose of this study is to investigate and introduce the similarities and differences of these patterns from three aspects of intellectual foundations, the coherence discovery method and the components in question. To achieve this goal, the method of comparing the mentioned patterns and the descriptive-analytical approach have been used. The greatest manifestation of the difference between these patterns is in the components in question; components, many of which have been the focus of Quranic scholars in the distant past. The most manifestation of patterns' similarities in the context of the surah is to pay attention to the formal elements along with the content elements and to consider the theory of coherence along with the theory of cohesion, as well as their presuppositions for the appropriateness and harmony of the Quran, especially the short Mecca suras. Of course, the result of the structural study of all patterns is the discovery and demonstration of the appropriateness of the divine word.

Keywords: structural patterns, cohesion, coherence, Qur'an, Similarities and differences.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).

 <http://dx.doi.org/10.22108/NRGS.2022.129115.1662>

مقاله پژوهشی

نقاط اشتراک و افتراق شش الگوی ساختارشناسانه در بررسی انسجام متن قرآن

ساجده نبئی^۱، سهیلا جلالی کندری^{۲*}، نصرت نیل ساز^۳

۱- دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

s.nabaei@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

s.jalali@alzahra.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

nilsaz@modares.ac.ir

چکیده

اثبات انسجام و پیوستگی متن قرآن بر مبنای الگوهای ساختارشناسانه از رویکردهای نوین در مطالعات علوم قرآنی است؛ گرچه توجه به نظم‌القرآن و تناسب آیات و سوره‌ها در مطالعات اسلامی پیشینه‌ای دیرینه دارد و به قرون اولیه ظهور اسلام باز می‌گردد. در میان الگوهای ساختارشناسانه شش الگو از اقبال بیشتری برخوردار بوده که به نام طراحان آن نام‌گذاری شده است. غالب این الگوها به‌ویژه برای کشف تناسب کلام الهی در قرآن طراحی شده‌اند و از میان آنها تنها الگوی هالیدی و حسن عمومیت دارد و انطباق‌پذیر بر متون دیگر است. هدف پژوهش حاضر، بررسی و معرفی نقاط اشتراک و افتراق این الگوها از سه جنبه مبانی فکری، روش کشف انسجام و مؤلفه‌های درخور توجه است. برای نیل به این هدف، از روش مقایسه الگوهای یادشده و رویکرد توصیفی تحلیلی استفاده شده است. بیشترین نمود اختلاف الگوها در مؤلفه‌های مدنظر است که بسیاری از آنها در گذشته‌های دور محل توجه دانشمندان علوم قرآنی بوده است. بیشترین نمود اشتراک الگوها در سیاق‌بندی سوره، توجه به عناصر شکلی به همراه عناصر محتوایی و در نظر گرفتن نظریه پیوستگی به همراه نظریه انسجام و همچنین، پیش‌فرض آنها نسبت به انسجام و هماهنگی سوره مکی قرآن است؛ البته نتیجه تلاش‌های ساختارشناسانه همه الگوها، نمایش تناسب کلام الهی است.

واژه‌های کلیدی

الگوهای ساختارشناسانه، تناسب آیات و سوره‌ها، نظم‌القرآن، نقاط اشتراک و افتراق

زبان‌ها محل توجه بوده است؛ به همین دلیل، الگوهای

۱- طرح مسئله

واکاوی انسجام متون به‌ویژه متون ادبی، در همه

متعدد و مختلفی به منظور کشف انسجام^۱ و پیوستگی^۲ متون طراحی شده است (برای تفاوت این دو اصطلاح نک. ادامه مقاله). یکی از الگوهای پرکاربرد، الگوی هالیدی و حسن است که گرچه در ابتدا برای زبان انگلیسی معیار طراحی شده، انطباق‌پذیر بر همه زبان‌هاست (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰ش، ص ۵۲). در میان متون ادبی، قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان و حتی برخی از غیرمسلمانان دارد؛ زیرا این کتاب آسمانی یکی از متون ادبی ماندگار در جهان است؛ از این رو، قرآن پژوهان مسلمان و گاه غیرمسلمان با هدف کشف چگونگی انسجام و پیوستگی متن قرآن و اثبات ساختارمندی آن در پاسخ به تردیدهای وارد شده به هماهنگی و نظم آن، از الگوهای مختلفی استفاده کرده‌اند. در این نوشتار، شش الگوی بررسی انسجام، انتخاب و نقاط اشتراک و افتراق آنها از سه جنبه مبانی نظری، روش کشف انسجام و مؤلفه‌های شایان توجه دسته‌بندی و معرفی می‌شود. در حقیقت، تلاش این نوشتار برای پاسخ به این سؤالات است: شش الگوی انتخاب شده در کشف انسجام قرآن، در کدام جنبه و تا چه اندازه با یکدیگر اشتراک دارند؟ وجوه افتراقی آنها کدام است؟ البته پیش از آن شایسته است از این الگوها که به نام طراحان خود نام‌گذاری شده‌اند، براساس گاه‌شمار تاریخی یاد کرد: الگوی مایکل هالیدی^۳ و رقیه حسن^۴، الگوی آنجلسا نویورت^۵، الگوی نیل رایبسون^۶، الگوی محمد

خامه‌گر^۷، الگوی سلوی محمد الاوی^۸ و الگوی میشل کوپرس^۹. پژوهش‌های انجام شده در ایران با گرایش ساختارشناسی سوره‌های قرآن کریم عمدتاً بر محور و مبنای الگوی هالیدی و حسن شکل گرفته شده است^{۱۰}؛ شاید به این سبب که علاوه بر تقدم زمانی بر

۱۳۴۳.۷-

۸. Salwa M. S. El-Awa.

۹. Michel Cuypers

۱۰. برای نمونه، نک. ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی، (۱۳۹۲ش). «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۲۷، صص ۶۵-۹۵؛ مسبوق، مهدی و شهرام دلشاد، (۱۳۹۵ش). «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۱۴-۱۲۹؛ ولیئی، یونس، سید محمود میرزایی الحسینی و محمد فرهادی، (۱۳۹۶). «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱، صص ۶۹-۸۶؛ زانوس، احمدپاشا و مریم نبی‌پور، «عوامل انسجام در سوره زلزال (براساس نظریه هالیدی و حسن)»، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی (آفاق دین)*، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۸۱-۱۰۲؛ اقبالی، عباس، روح‌الله صیادی‌نژاد و محمدحسین فاضلی، (۱۳۹۶ش). «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن*، سال ششم، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱۰؛ مختاری‌نژاد، قاسم و روح‌انگیز خدابخش، (۱۳۹۷ش). «تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم برپایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه‌ای سوره‌های جزء سیم»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۲۶؛ سیدی، سید حسین و سمیه بیگ قلعه‌جویی، (۱۳۹۸ش). «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس براساس الگوی فرانقش متنی هالیدی»، *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال هفتم، شماره ۱۲۱، صص ۱۰۹-۱۲۹؛ امرایی، محمدحسن، (۱۳۹۸ش). «تحلیل انسجام غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی نقش‌گرا»، *ذهن*، شماره ۷۷، صص ۲۱۵-۲۴۴؛ مشکین‌فام، بتول و معصومه رحیمی، (۱۳۹۸ش). «نقش تکرار در انسجام‌بخشی به سوره هود با تکیه بر الگوی هالیدی و حسن»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۱۶۵-۲۰۰؛ ملّا ابراهیمی، عزت و زهرا رضایی، (۱۳۹۹ش). «کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل»، *مطالعات ادبی علوم اسلامی*، شماره ۲۴، صص ۴-۲۹ و ...

1. Cohesion.

2. Coherence.

3. Michael Alexander Kirkwood Halliday (1925-2018).

4. Ruqaiya Hasan (1931-2015).

5. Angelika Neuwirth (1943-).

6. Neal Robinson (1948-).

کوپرس آن را برای نخستین بار بر متن قرآن پیاده کرده، الگوی مدنظر را در سوره قارعه اجرا کرده است. الگوی نویورت و الاوی تا کنون بازتابی در پژوهش‌های قرآنی نداشته است. تنها برخی از آثار ایشان به فارسی ترجمه شده است؛ به هر حال، الگوهای مطرح شده، در پژوهش‌های قرآنی فارسی زبان بازتاب داشته‌اند و مطالعه این دست از پژوهش‌ها ما را به درک بهتر و عمیق‌تر الگوها راهنمایی می‌کند.

پیشینه

همان‌طور که پیش از این اشاره شد الگوهای معرفی شده مبنای پژوهش‌های متعددی به منظور کشف انسجام سور قرآنی قرار گرفته‌اند؛ اما واکاوی این الگوها و معرفی نقاط اشتراک و افتراق آنها تا کنون موضوع هیچ پژوهشی نبوده است.

۱- نقاط اشتراک

این الگوهای ساختارشناسانه از سه جنبه مبنای نظری، روش کشف انسجام و مؤلفه‌های مورد توجه اشتراکاتی دارند که در ادامه به تفصیل خواهد آمد.

۱-۱- مبنای نظری: عقیده به ساختارمندی سور مکی یافته‌ها در رابطه با مبنای فکری طراحان شش

برخی از مقالات نویورت در *دائرةالمعارف قرآن* ترجمه شده است: نویورت، انگلیکا، (۱۳۹۴ الف). «شکل و ساختار قرآن»، ترجمه نصرت نیل ساز، *دائرةالمعارف قرآن*، سرویراستار جین دمن مک اولیف، سرویراستار ترجمه فارسی حسین خندق آبادی و دیگران، تهران، انتشارات حکمت، ج ۳، صص ۵۳۵-۵۵۷، (۱۳۹۴ ب). «سوره»، ترجمه نصرت نیل ساز، *دائرةالمعارف قرآن*، ج ۳، صص ۳۹۵-۴۰۶ و

محمد الاوی، سلوی (۱۳۹۵ ش)، *روابط متنی در قرآن: ربط، پیوستگی و ساختار*، ترجمه سید اکبر جلیلی، تهران، نشر نویسه پارسی.

الگوهای دیگر، گستردگی و شمولیت بیشتری در ابزارهای انسجامی دارد. پس از آن، بیشترین اقبال در پژوهش‌های فارسی زبان متوجه الگوی خامه‌گر است^۱. استفاده از الگوهای نام‌برده دیگر در میان پژوهش‌های فارسی زبان از رونق کمتری برخوردار است؛ برای مثال، تنها سه پژوهش قرآنی ساختارگرا الگوی رابینسون را مبنای کار خود قرار داده‌اند^۲. پژوهش اول در مقام تبیین و تشریح الگوی رابینسون با تکیه بر آیات ۶۴-۹۹ سوره آل عمران است و دو پژوهش دیگر الگوی رابینسون را به ترتیب بر سوره‌های علق و سبأ پیاده کرده‌اند. کاربرد الگوی کوپرس نیز تنها در یک پژوهش قرآنی مشاهده می‌شود^۳. این پژوهش نیز ضمن توضیح و تشریح الگوی بلاغت سامی که

^۱ از جمله: دهقانی فارسانی، یونس، (۱۳۷۸ ش). «ساختار سوره انشقاق»، *فصلنامه بلاغ مبین*، شماره ۱۴، صص ۴-۱۴؛ غروی، سعیده، (۱۳۹۴ ش). «تفسیر ساختاری سوره یس با تأکید بر تفسیر المیزان»، *مطالعات تفسیری*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۰۳-۱۲۲؛ حسینی، بی بی زینب، حسین قائمی اصل و نجمه زنجیری، (۱۳۹۶ ش). «جایگاه روش تفسیر ساختاری در فهم قرآن کریم»، *پژوهش‌نامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، شماره ۱۱، صص ۱۳۳-۱۵۲؛ حکم آبادی، حجت‌الله و عباس اسماعیلی‌زاده، (۱۳۹۸ ش). «کشف استدلالی ساختار و غرض سوره مبارکه احزاب»، *کتاب قیم*، شماره ۲۱، صص ۷-۳۸ و ...

^۲ توکلی محمدی، نرجس و اعظم پویازاده، (۱۳۹۶ ش). «واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن با تأکید بر رهیافت نیل رابینسون»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال اول، شماره ۴، صص ۲۵-۵۴؛ محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله و حسام امامی دانالو، (۱۳۹۸ ش). «تبیین پیوستگی آیات سوره علق براساس روش نیل رابینسون»، *علم زبان*، سال ششم، شماره ۸؛ محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله، (۱۳۹۹ ش). «تبیین پیوستگی آیات سوره سبأ براساس روش نیل رابینسون»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۹۱-۱۱۷.

^۳ مکنون، محمد و محمدکاظم شاکر، (۱۳۹۴ ش). «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کوپرس»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های قرآنی*، سال بیستم، شماره ۲، ص ۲۳.

الگوی یادشده، حاکی از آن است که همه آنها در یک دیدگاه با یکدیگر اتفاق نظر دارند و آن هم اعتقاد به ساختارمندی و نظم سوره‌های نازل شده قبل از هجرت است.^۱ مسلمان و غیرمسلمان بودن نیز در باور به نظم سور مکی، تأثیری نداشته است.

۱-۲-۲- روش کشف انسجام

در هریک از الگوهای معرفی شده با روش خاصی به کشف انسجام و نمایش ساختارمندی سوره‌های قرآن کریم پرداخته می‌شود؛ اما در عین حال این روش‌ها مشترکاتی با یکدیگر دارند.

۱-۲-۱- سیاق‌بندی

نخستین گام در بررسی انسجام و پیوستگی متن، سیاق‌بندی یا تقسیم آن به اجزای کوچک‌تر براساس شواهد لفظی یا محتوایی است. این مرحله در همه الگوها مشاهده می‌شود. در الگوی هالیدی و حسن، متن به بندها و جملات تقسیم می‌شود که با گره^۲ با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. گره، ارتباط بین یک عنصر از یک جمله یا یک بند با عنصر دیگری در جمله یا بند دیگر است (Halliday and Hasan, 1976: 3). در الگوی نویورت که نه یک سوره، بلکه تمام سور مکی بررسی شده، سیاق‌بندی عبارت است از دسته‌بندی عناصر محتوایی و صوری که در تمام سور مکی پراکنده است (نویورت، ۱۳۹۴ الف، صص

۵۴۵-۵۵۵). مبنای رابینسون در تقسیم‌بندی سوره به اجزای کوچک‌تر و تعیین آیات نخستین و پایانی یک دسته آیه، بیشتر لفظی است تا محتوایی. او از میان عناصر لفظی بر عنصر تکرار تأکید ویژه‌ای دارد؛ برای مثال، یک واژه یا عبارت در یک بخش بارها و بارها تکرار شود، در حالی که در بخش‌های دیگر اثری از آن نباشد (رابینسون، ۱۳۹۱ش، صص ۱۵۹-۱۶۰). سیاق‌بندی در الگوی خامه‌گر مستلزم پیمودن چند مرحله است: گام نخست، شناسایی میزان پیوستگی لفظی آیات هم‌جوار با عواملی چون اسما و حروف ربط‌دهنده، ساختارهای نحوی و تکرارهای اسلوبی مثل تکرار یک لفظ در آغاز آیات است. گام دوم، شناسایی میزان پیوستگی معنایی آیات هم‌جوار با عواملی همچون تمثیل، سؤال و جواب آن، مقدمه و ذی المقدمه است. گام سوم، عبارت است از کشف سیاق‌های سوره. عوامل پیوستگی آیات موجب می‌شود مجموع آیات سوره‌های قرآن به دو حالت با یکدیگر ارتباط برقرار کند؛ حالت نخست آنکه همه آیات یک سوره با یکدیگر مرتبط باشد، مثل سوره نصر. حالت دوم آن است که مجموع آیات یک سوره چندین گفتار مستقل را پدید آورد، مانند سوره‌های بلندی چون بقره (خامه‌گر، ۱۳۹۷ش، صص ۱۱۲-۱۱۳). الاوی سوره را براساس معیار محتوایی به اجزای کوچک‌تر (قطعه) تقسیم می‌کند؛ البته معتقد است ادواتی صوری چون ادوات آغاز جمله، نواسخ، حرف عطف و ندا نشان‌گرهایی هستند که از تغییرات محتوا حمایت می‌کنند (الاوی، ۱۳۹۵، صص ۹۳). کوپرس متن را براساس تقارن‌های موجود در آن به سطوح مختلف تقسیم می‌کند. این سطوح به ترتیب

^۱ شایان ذکر است الگوی هالیدی و حسن نسبت به انسجام متن قرآن موضعی ندارد؛ اما از روی تسامح این الگو در کنار الگوهای دیگری ذکر شد که قائل به انسجام و تناسب متن قرآن‌اند. در مؤلفه‌های دیگر نیز یادکرد الگوی هالیدی و حسن در کنار الگوهای دیگر از باب تسامح است.

^۲ Tie

تفاوت نظریه پیوستگی و انسجام نخستین بار در الگوی هالیدی و حسن مطرح شد. بر اساس این الگو، نظریه انسجام به روابط بین عناصر یک متن اشاره دارد که آنها را در هم ادغام می‌کند و به کل متن وحدت می‌بخشد (Halliday and Hasan, 1976: p4)؛ بنابراین، انسجام متمرکز بر عناصر درون‌متنی است. این درحالی است که پیوستگی، عوامل انسجام را خارج از متن جستجو می‌کند؛ زیرا مربوط به پیش‌فرض‌های ذهنی خواننده یا شنونده است که مولود موقعیت و فرهنگ است (Halliday and Hasan, 1989: 48). پژوهش حاضر در تفاوت بین انسجام و پیوستگی ملتزم به تعریف آن در الگوی هالیدی و حسن است؛ البته در برخی الگوها تعبیر دیگری برای این دو نظریه به کار رفته است؛ برای مثال، در الگوی الاوی نظریه پیوستگی معادل نظریه انسجام در الگوی هالیدی و حسن است و نظریه ربط، معادل با نظریه پیوستگی (الاوی، ۱۳۹۵ش، صص ۵۵-۵۸)؛ به‌رحال، توجه به عناصر پیونددهنده، چه در داخل متن و چه خارج از آن، به‌منظور کشف تناسب و درهم‌تنیدگی متن ضروری است. همه الگوهای معرفی شده نیز این مهم را لحاظ کرده‌اند؛ گرچه به‌صراحت به تفاوت این دو نظریه اشاره نکرده باشند؛ بنابراین، در کنار ابزارهای انسجام درون‌متنی به عوامل برون‌متنی مثل سیاق آیات، دانش مخاطب، فضای نزول، اسامی سوره‌ها و فضیلت آنها، بینامتنیت قرآن و عهدین و بینامتنیت سور قرآن توجه کرده‌اند. نویورت زمانی که سیر تطورات عناصر تشکیل‌دهنده سور مکی را به تصویر می‌کشد، زمان و مکان نزول آیات و همچنین، چهره‌های اصلی درگیر را مدنظر قرار می‌دهد (نویورت، ۱۳۹۴الف، صص ۵۳۹). رابینسون در مواردی

عبارت‌اند از: مفصل^۱، فرع^۲، جزء^۳، قسم^۴، مقطع^۵، سلسله^۶، شعبه^۷، کتاب^۸. مبنای تقسیم‌بندی او ساختار نحوی، ساختار واژگانی مثل هم‌ریشگی، تطابق واژگانی، به‌ویژه تکرار و نیز محتوا است (Cuypers, 2011: 7-12).

۱-۲-۲- توجه به عناصر شکلی در کنار عناصر

محتوایی

یکی از نقاط اشتراک الگوهای معرفی شده در روش، در نظر گرفتن عناصر شکلی و ادبی به همراه عناصر محتوایی است که می‌تواند امتیاز و نقطه قوتی برای آنها تلقی شود؛ به همین دلیل، نویورت توجه صرف به محتوا را در روش بل^۹ در تقسیم‌بندی اجزای تشکیل‌دهنده سوره‌ها (نک. بل، بی‌تا، صص ۱۲۰-۱۳۳) نوعی کاستی می‌داند؛ از این رو، خود به بررسی و واکاوی ساخت ادبی مفاهیم مطرح شده می‌پردازد (نویورت، ۱۳۹۴الف، صص ۵۴۲). الگوهای دیگر نیز در سیاق‌بندی و تقسیم سوره به بخش‌های کوچک‌تر علاوه بر عناصر محتوایی به عناصر صوری نیز توجه کرده‌اند (Robinson, 2003: 208)؛ خامه‌گر، ۱۳۹۷ش، صص ۱۲۰؛ الاوی، ۱۳۹۵ش، صص ۹۲؛ (Cuypers, 2011: 10-12).

۱-۲-۳- توجه به نظریه پیوستگی به همراه نظریه

انسجام

1. Member
2. Segment
3. Piece
4. Part
5. Passage
6. Sequence
7. Section
8. Book
9. Richard Bell (1876-1952).

۱-۳- مؤلفه‌های مورد توجه

در الگوهای یادشده، مؤلفه‌هایی که در تقسیم‌بندی سوره به قطعات کوچک‌تر و همچنین، در کشف پیوند این قطعات و در نهایت انسجام سوره محل توجه قرار می‌گیرد، گاه با یکدیگر مشترک است.

۱-۳-۱- تکرار

مؤلفه تکرار شامل تکرار یک واژه، یک عبارت، یک مفهوم و حتی تکرار یک ریشه است که می‌تواند دو یا چند جمله را به هم مرتبط سازد و معیاری برای جداسازی یک پاره گفته از پاره گفته دیگر باشد. تمام الگوها به مؤلفه تکرار توجه کرده‌اند. در الگوی هالیدی و حسن، تکرار یکی از عناصر انسجام واژگانی است که تفصیل آن ذیل عنوان بعدی خواهد آمد (Halliday and Hasan, 1976:282). نیورت پدیده تکرار داستان‌ها را نمایانگری برای پذیرش تدریجی کتاب مقدس در جامعه می‌داند (نیورت، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۵۲). پیش‌تر آمد که رابینسون در تقسیم‌بندی سوره به اجزای کوچک‌تر بر مؤلفه تکرار تأکید ویژه‌ای دارد (رابینسون، ۱۳۹۱ ش، صص ۱۵۹-۱۶۰). خامه‌گر در مرحله شناسایی میزان پیوستگی لفظی آیات هم‌جوار، به عنصر تکرار توجه کرده است؛ به‌طور مثال، از دیدگاه او، واژه «رسول» در آیه دوم سوره بینه بدل از واژه «بینه» در آیه اول است و به این صورت آیه دوم مبین آیه اول است (خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۲۰). الاوی در تقسیم‌بندی سوره قیامت به بندهای کوچک‌تر، بر تکرار دو آغازگر «کَلَّا» و «بَلَّ» تأکید دارد (الاوی، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۲۴). کوپرس تکرار عبارت (قَدْ جَاءَكُمْ) را در آیه ۱۵ و ۱۹ سوره مائده مبنایی برای تقسیم‌بندی سوره به اجزای

به‌منظور تفسیر آیات قرآن و نیز کشف چگونگی پیوند دسته آیات با یکدیگر به مقایسه آیات قرآن با متن کتاب مقدس می‌پردازد؛ برای نمونه، در تفسیر دسته آیات ۱۲۲-۱۵۲ سوره بقره به متن یهودی که مخاطب آن همان مخاطب آیات یادشده است (یهودیان متخاصمی که پس از تغییر قبله مسلمانان با آنان مجادله می‌کردند و قبله خود را برتر از قبله مسلمانان می‌دانستند) مراجعه می‌کند (Robinson, 2003: 210-211). خامه‌گر نیز در کشف غرض سوره‌ها علاوه بر عناصر درون‌متنی از عناصر برون‌متنی همچون اسم سوره، فضیلت سوره و فضای نزول آن بهره برده است (خامه‌گر، ۱۳۹۸ ش، ص ۱۷۷)؛ برای نمونه، او نام سوره بینه را که به معنای حجّت و دلیل روشنی است که هیچ تردیدی در حقانیت آن نیست، با غرض سوره که بیان عذاب اخروی مشرکان و اهل کتاب پس از اتمام حجّت با آنها پس از بعثت پیامبر (ص) است، کاملاً هماهنگ می‌داند (همان، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). الاوی واژه «شاهد» را در آیه ۴۵ سوره احزاب، به‌وسیله اطلاعاتی غنی می‌سازد که آیات ۴ و ۱۹۵ سوره نساء، ۸۴ و ۸۹ سوره نحل در اختیار می‌گذارند (الاوی، ۱۳۹۵، صص ۱۴۲-۱۴۳). کوپرس در تفسیر قرآن و بررسی ساختار سوره آن، بینامتنیت قرآن و عهدین را در نظر می‌گیرد؛ به‌طور مثال، او در تفسیر عبارت «سُبُلُ السَّلَام» در آیه ۱۶ سوره مائده^۱ به کتاب مقدس مراجعه کرده است؛ زیرا این اصطلاح در سرود زکریا (انجیل لوقا) به کار رفته است (مکوند، ۱۳۹۴، ص ۲۴ به نقل از کوپرس).

^۱ يَهْدِي بِهٖ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ يَٰۤاٰدِمْ وَّ يَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ.

این مؤلفه که تا حدودی با مؤلفه پیشین هم‌پوشانی دارد، در الگوی هالیدی و حسن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این دو زبان‌شناس انسجام واژگانی را متأثر از انتخاب واژگان می‌دانند (Halliday and Hasan, 1976: 274). عوامل انسجام واژگانی از دیدگاه آنها دو چیز است، بازآیی^۲ و باهم‌آیی^۳. بازآیی شامل تکرار همان واژه^۴، هم‌معنایی^۵ یا مشابهت معنایی^۶ و شمولیت معنایی^۷ است (Ibid: 282). باهم‌آیی، یعنی باهم آمدن چند واژه که با یکدیگر ارتباط معنایی دارند و این ارتباط لزوماً از نوع هم‌معنایی یا شمولیت معنایی نیست؛ بلکه می‌تواند از نوع تضاد^۸ یا تکمیل^۹ باشد (ibid: 278-284). تمامی الگوها به مؤلفه انسجام واژگانی توجه کرده‌اند؛ البته این توجه در میان الگوها متفاوت است؛ از این نظر که الگوهای پس از هالیدی و حسن بر تمامی مؤلفه‌های انسجام واژگانی تمرکز نکرده‌اند؛ بلکه تنها برخی از آنها را مدنظر قرار دادند. نیویورت در بررسی عنصر داستان‌های عذاب، با استناد به واژه «مَثَل»، داستان‌هایی را که این واژه در آن به کار رفته است (و) اضرب لهم مثلاً، از نوع مَثَل می‌داند که البته از لحاظ کارکرد (پندآموزی) ارتباط نزدیکی با داستان‌های تاریخی دارد (نیویورت، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۵۱). مبنای رابینسون در دسته‌بندی و جداکردن دسته آیات ۶۴ تا ۹۹ سوره آل‌عمران از دیگر آیات این سوره، تکرار برخی از الفاظ و اشتقاقیات آن است. مثل فعل

کوچک‌تر قرار داده است (Cuypers, 2011: 11)؛ البته ناگفته نماند توجه به عنصر تکرار از دیرباز میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی معمول و شایع بوده است و آنان کوشیده‌اند علت و حکمت تکرارهای قرآن را تبیین کنند. رمّانی (م ۳۸۴) نوعی از تکرار را از اسالیب فصاحت، تلقی می‌کند و آن را اقتضای کلام شایسته عنایت می‌داند و حتی ترک آن را منجر به وقوع غلط، نسیان و کاسته‌شدن از قدر و منزلت آن امر مهم و درخور توجه بر می‌شمرد (الرمّانی، ۱۱۹ق، صص ۵۲-۵۳). کرمانی (م ۵۰۵) کتابی با عنوان *اسرار التکرار فی القرآن* تألیف کرده و تکرارهای هر سوره را بررسی و علت آن را تبیین کرده است (نک. الکرمانی، بی‌تا، ص ۲۷/۲۵۸). زمخشری (م ۵۳۸) از جمله مفسرانی است که ضمن تفسیر آیات، تکرارهای قرآنی را تحلیل کرده است (از جمله نک. زمخشری، ۱۴۰۷، ص ۴/۴۰۴ ذیل تفسیر آیات ۵۱-۵۲ سوره ذاریات). زرکشی نیز (م ۷۹۴) در *البرهان*، به تکرار می‌پردازد و در پاسخ منکران فایده تکرار، آن را از اسالیب فصاحت و براعت معرفی می‌کند و به نزول قرآن در کسوت زبان عربی اشاره می‌کند (الزرکشی، بی‌تا، ص ۲/۴۸۵) که عادت عرب بر استفاده از تکرار در جای مناسب خود بوده است. مفسران معاصر نیز به تکرارهای قرآن توجه و علت آنها را تبیین و تحلیل کرده‌اند (از جمله نک. طباطبائی، بی‌تا، ص ۱۶/۹۰؛ ابن‌عاشور، بی‌تا، ص ۲۷/۲۳۰)؛ بنابراین، اینگونه نیست که الگوهای ساختارشناسانه نخستین بار به عنصر تکرار توجه کرده باشند.

² Reiteration.

³ Collocation.

⁴ Repetition of the same word.

⁵ Synonym.

⁶ Near synonym.

⁷ Superordinate.

⁸ Antonymy.

⁹ Complementarity.

۱-۳-۲- انسجام واژگانی^۱

¹ Lexical cohesion.

«أشرك»، «شَهِد»، «أَسْلَم» و مشتقات آنها که بسامد بالایی نسبت به دسته آیات دیگر دارد (توکلّی محمدی، ۱۳۹۶ش، ص ۳۹ به نقل از Robinson, 2004: 2). خامه‌گر ارتباط معنایی عبارت «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» را در آیه ششم سوره بینه و «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» را در آیه هفتم از نوع ارتباط تقابل می‌داند (خامه‌گر، ۱۳۹۷ش، صص ۱۲۰-۱۲۱). الاوی تکرار عبارت «یومئذ» را در برجسته‌سازی روابط قسمت‌های میان سوره قیامت، مهمّ و مؤثّر می‌داند (الاوی، ۱۳۹۵، ص ۲۲۲). کوپرس در مرحله نگارش دوباره متن براساس مجموعه‌ای از تقارن‌ها، به‌منظور تعیین تقارن‌ها و شناخت روابط میان عناصر سازنده متن به مؤلفه‌های تکرار عین واژه، ترادف، تضاد، هم‌نامی و هم‌ریشگی توجه کرده است (Cuypers, 2011: 7-9)؛ البته درخور ذکر است در میان مؤلفه‌های زیرمجموعه انسجام واژگانی، تکرار بیش از همه محل توجه بوده و مبنای دسته‌بندی آیات قرار گرفته است.

۱-۳-۳- بینامتنیت سوره‌های قرآن

مؤلفه یادشده به معنای در نظر گرفتن ارتباط درون‌متنی سور قرآن است؛ یعنی برقرارکردن ارتباط میان آیات یک سوره با سور دیگر. توجه به بینامتنیت قرآن، پژوهشگر را یاری می‌کند تا در تفسیر یک سوره یا بخشی از آن به سوره‌های دیگر، مراجعه و بین اجزای تشکیل‌دهنده متن قرآن ارتباط برقرار کند. گرچه به‌نظر می‌رسد توجه به این مؤلفه بیشتر با الگوی نویورت متناسب باشد که متمرکز بر چندین سوره و عناصر تشکیل‌دهنده آنها و نحوه ارتباط این عناصر است (نویورت، ۱۳۹۴ الف، صص ۵۴۵-۵۵۲)، در الگوهای دیگر نیز که متن مدنظر آنها یک سوره

است، قابل پیگیری است. رابینسون در بررسی ساختار سوره آل‌عمران، بین دسته آیات ۶۴-۹۹ سوره آل‌عمران و آیات ۱۲۲-۱۵۲ سوره بقره ارتباط برقرار می‌کند و بر آن است که آیات سوره آل‌عمران برای شفاف‌ساختن آیات سوره بقره نازل شده‌اند که اهل کتاب، اعتبار آنها را زیر سؤال برده‌اند و مسلمانان در انتظار پاسخ به مجادلات آنان بودند (توکلّی محمدی، ۱۳۹۶ش، صص ۴۱-۴۲ به نقل از Robinson, 2004: 6). خامه‌گر در ترسیم فضای نزول سوره انسان، به فضای نزول سه سوره رحمان، رعد و محمد(ص) توجه می‌کند که پیش از سوره انسان نازل شده‌اند (خامه‌گر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۹). الاوی بافت قرآن را یک ابزار کمکی ضروری برای خوانش متن معرفی می‌کند (الاوی، ۱۳۹۵ش، صص ۷۷-۷۹). او آیه ۶ سوره احزاب را که در رابطه با تقدم خویشاوندان نسبی بر مؤمنان و مهاجران در ارث‌بردن است و همچنین آیه ۷ سوره نساء را که به حق ارث مردان و زنان اشاره دارد، گواه و تأییدی بر گزاره مستنبط از آیه ۷۵ سوره انفال می‌داند که خویشاوندان دور حقّی از ارث دارند (همان، ص ۸۰).

۲- نقاط افتراق

در این بخش، وجوه اختلاف و افتراق الگوهای معرفی‌شده در سه بخش مبانی نظری، روش و مؤلفه‌های مورد توجه واکاوی شده‌اند.

۲-۱- مبانی نظری

الگوها و روش‌های معرفی‌شده در برخی مبانی فکری با یکدیگر اختلاف دارند. وجوه اختلاف آنها به شرح زیر است.

۲-۱-۱- وحدت موضوعی سوره‌ها

وحدت موضوعی سوره، نظریه نوینی است که در سال‌های اخیر مفسران ساختارگرا همچون سید قطب، علامه طباطبایی و محمود شحاته مطرح کرده‌اند. بر اساس این نظریه، هر سوره دارای یک جامعیت واحد و روح کلی است که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد. گرچه در یک سوره موضوعات و مفاهیم متنوعی مطرح می‌شود، همه آنها تحت کلیت سوره و موضوع واحد آن قرار می‌گیرد. این محور واحد، مرکز ثقل سوره و محل اتکای محورهای فرعی آن است (خامه‌گر، ۱۳۹۵ش، صص ۲۹-۳۱). پژوهشگران ساختارگرا در رابطه با وحدت موضوعی و ادبی سوره‌ها کمی با یکدیگر اختلاف دارند. نیورت این رویکرد را صرفاً در رابطه با سور مکی قرآن دارد و سور مدنی را مجموعه‌ای از واحدهای متنی بی‌ارتباط معرفی می‌کند که فاقد هرگونه انسجام و وحدت ادبی‌اند (نیورت، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۳۸؛ همان، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۹۶). رابینسون موضع صریحی در این رابطه ندارد؛ اما با توجه به اینکه یکی از اطلاعاتی که در معرفی سوره ارائه می‌دهد، محتوای اصلی و جامع سوره است، به نظر می‌رسد به‌طور ضمنی به وحدت موضوعی سوره‌ها قائل باشد (Robinson, 2003: 201-202). خامه‌گر از ارتباط میان آیات هم‌جوار فراتر می‌رود و با نگاهی کلان به ساختمان سوره و ارتباط میان همه آیات آن می‌نگرد (خامه‌گر، ۱۳۹۵، ص ۲۱). کوپرس نیز سوره‌های قرآن را واحدهای پیوسته می‌داند (Cuyper, 2008: p33). در این میان، الاوی با صراحت، رویکرد خود را از کسانی که متمرکز بر وحدت غرضی و مضمونی سوره‌اند، متمایز می‌کند. او بر ارتباط بین آیات هم‌جوار تأکید دارد و

سوره را یک کل واحد منسجم در نظر نمی‌گیرد؛ زیرا به اعتقاد او، این رویکرد توجیحات روش‌شناختی شفاف‌تری را برای کشف روابط متنی مهیا می‌کند؛ در حالی که نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها مبتنی بر نظرات سلیقه‌ای و شخصی مفسران است که از روش مشخصی تبعیت نمی‌کند (الاوی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۳).

۲-۱-۲- ماهیت شفاهی قرآن

مطالعه قرآن به‌مثابه کلامی شفاهی از جمله موضوعات مهمی است که برخی خاورشناسان در ارزیابی انسجام قرآن به آن توجه کرده‌اند. طبق نظریه شفاهی بودن قرآن، نظام گفتاری شاخصه‌های خاص خود را دارد که درهم‌تنیدگی موضوعی و تکرار از مهم‌ترین آنهاست. اقبال به نظریه ماهیت شفاهی قرآن و ویژگی‌های برآمده از آن، سبب شده است تا برخی پژوهشگران متأخر تکرار را نه تنها عامل انسجام متن، دارای کارکرد تفسیری نیز بدانند (شیرازی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۶-۱۸۷). غالب طراحان الگوها به ماهیت شفاهی قرآن در کنار ماهیت مکتوب توجه کرده‌اند (نیورت، ۱۳۹۴ الف، صص ۵۴۳-۵۴۴؛ Robinson, 2003: 9؛ خامه‌گر، ۱۳۹۸، ص ۱۷۷؛ Cuyper, 2011: 7-12). در این میان، تنها الاوی به‌رغم اذعان بر ماهیت شفاهی قرآن در کنار متن تکوین‌یافته آن، تمرکز خود را متوجه ماهیت مکتوب قرآن کرده است. او ضمن پذیرش ماهیت شفاهی قرآن معتقد است در نظر نگرفتن منشأ قرآن و تاریخچه تکوین متن آن تغییری در این واقعیت به وجود نمی‌آورد که مسلمانان قرآن را به‌عنوان یک کتاب آسمانی پذیرفته‌اند و قرن‌هاست بدان عمل می‌کنند (الاوی، ۱۳۹۵ش، صص ۲۱-۲۴).

۲-۱-۳- انسجام و پیوستگی سور مدنی

پیش از این آمد که میان طراحان الگوهای ساختارشناسی در رابطه با انسجام و نظام‌مندی سور مکی اختلافی وجود ندارد. اختلاف، تنها دربارهٔ انسجام سور مدنی و بلند قرآن است. نیورت بر تفاوت میان سور مکی و مدنی قرآن از حیث نظم و پیوستگی تأکید دارد. او معتقد است سور مکی در نهایت نظام‌مندی و فرازمندی قرار دارد؛ در حالی که اجزای تشکیل‌دهندهٔ سور مدنی از لحاظ محتوایی و شکلی، پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگرند (نک. بخش پیشین مقاله). دیگر قرآن‌پژوهان ساختارگرا مانند رایبسون، خامه‌گر و کوپرس ضمن اذعان به ساختارمندی و نظم سور مدنی (رایبسون، ۱۳۹۱ش، صص ۲۴-۲۵؛ خامه‌گر، ۱۳۹۵ش، صص ۲۴-۲۵؛ Cuypers, 2008)، ساختار یک یا چند سوره مدنی را به‌عنوان نمونه بررسی کرده‌اند. الاوی نیز اگرچه از ساختارمندی سور مدنی به‌عنوان پیش‌فرض تحقیق خود یاد نکرده، در نهایت به نظم سوره‌های احزاب و قیامت اذعان می‌کند (نک. الاوی، ۱۳۹۵، صص ۸۵-۲۳۰).

در روند توحید مصاحف در زمان عثمان، سوره‌ها و برخی آیات قرآن ترتیب و نظم تاریخی خود را از دست دادند (نیورت، ۱۳۹۴الف، صص ۵۳۶-۵۳۷). او به‌ویژه دربارهٔ آیات مربوط به احکام در سوره‌های مدنی چنین می‌اندیشد؛ زیرا از دیدگاه او احکام سوره‌های مدنی هیچ‌گونه ترتیب ساختاری ندارند و به‌نظر می‌رسد بعدها در متونی که پیوستگی چندانی نداشتند، جای گرفتند (نیورت، ۱۳۹۴ب، صص ۴۰۴)؛ البته پیش از این نیز آمد که او به ساختارمندی سور مدنی قائل نیست. درمقابل، خامه‌گر به‌صراحت از اعتقاد خود به توقیفی بودن ترتیب آیات سخن می‌گوید (خامه‌گر، ۱۳۹۵ش، صص ۹۳). فراتر از آن به توقیفی بودن چینش سوره‌ها در مصحف شریف اعتقاد دارد و آن را به دلایل عقلی و نقلی مستند می‌کند (همان، ۱۳۹۷ش، صص ۵۱-۵۲). صاحبان الگوهای دیگر در این حوزه موضع خودشان را به‌صراحت مشخص نکرده‌اند^۱.

۲-۲- روش کشف انسجام

در میان روش‌های اتخاذشده در الگوهای یادشده، تنها روشی که به‌نظر می‌رسد کمی با روش‌های دیگر تفاوت دارد، نظم متقارن است. مرتب‌ساختن سیاق‌های سوره براساس نظم متقارن، روشی است که در الگوی رایبسون و کوپرس قابل رهگیری است؛ البته الگوی کوپرس تحلیل بلاغی^۲ است که برای توضیح رویکرد

۲-۱-۴- اجتهادی یا توقیفی بودن ترتیب آیات و سوره‌ها

برخی معتقدند زیربنای اعتقاد به نظام‌مندی و انسجام دقیق سور قرآنی، اعتقاد به توقیفی بودن چینش و ترتیب آیات درون سوره‌هاست؛ زیرا اگر این چینش و ترکیب از سوی خداوند حکیم و علیم باشد، نظم و انسجام آن دیگر محل تردید نخواهد بود. در این میان، نیورت به اجتهادی بودن ترتیب سور و ترتیب برخی آیات در سور مدنی اعتقاد دارد. نیورت قائل است که

^۱. به‌تازگی کتابی با عنوان قرآن را کشف کنید از نیل رایبسون به زبان آلمانی منتشر شده است؛ اما متأسفانه تا کنون به انگلیسی برگردان نشده است. از آنجا که نگارنده به زبان آلمانی اشراف ندارد، فرصت استفاده از کتاب یادشده در این نوشتار حاصل نشد.

^۲. Rhetorical analysis.

که از آن به صنعت عکس نیز یاد می‌شود، در عربی کلاسیک به این معناست که کلام به‌گونه‌ای بیاید که جزئی از آن مقدم و جزء دیگر مؤخر باشد. سپس مؤخر، مقدم و مقدم، مؤخر شود (همان، ص ۳۱۷/۳). رابینسون طرح کلان سوره را به صورت صنعت قلب ارائه می‌دهد؛ یعنی ارتباط بخش‌های مختلف سوره را نه بر اساس ترتیب متوالی، بلکه بر اساس تناظر بخش‌هایی و اکاوی می‌کند که با یکدیگر توالی ندارند. رابینسون این الگو را برای سوره مائده ترسیم کرده و ده بخش از یازده بخش سوره را بر اساس صنعت قلب مرتب ساخته است؛ به این صورت که بخش یک با بخش ده، بخش دو با بخش نه و الی آخر با یکدیگر تناظر دارند (رابینسون، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵۸). روش دیگر الگوها تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. تقسیم‌بندی متن به اجزای کوچک‌تر بر اساس شواهد لفظی و محتوایی و سپس کشف نوع ارتباط میان این اجزا با توجه به عوامل انسجام درون‌متنی و برون‌متنی، روش معمولی است که در همه الگوها دیده می‌شود.

۲-۳- مؤلفه‌های مورد توجه

در مسیر کشف انسجام سور قرآنی، مؤلفه‌هایی محل توجه پژوهشگران ساخت‌گرا قرار می‌گیرد که گاه متفاوت‌اند.

۲-۳-۱- فوایح و خواتم سور

از جمله نقاط اختلافی در الگوهای معرفی شده، توجه به سرآغاز و پایان سوره‌های قرآن است. این مؤلفه را می‌توان در الگوی نویورت و خامه‌گر رهگیری کرد؛ البته مؤلفه یادشده در الگوی نویورت به شکل واکاوی محل قرارگرفتن عناصر محتوایی و

خود از نظریه بلاغت سامی^۱ استفاده می‌کند. تحلیل بلاغی مبتنی بر اصل بنیادین تقارن^۲، به تبیین تألیف متن و تعیین ساختار آن می‌پردازد. برای تعیین تقارن‌های موجود در کلام باید روابط بین عناصر سازنده متن را شناخت. این روابط به دو نوع رابطه منحصر می‌شوند: الف) تطابق یا هم‌خوانی و ب) تعارض یا ناهم‌خوانی. این تطابق‌ها و تعارض‌ها از چهار جنبه واژگانی، صرفی، نحوی و گفتاری ملاحظه می‌شوند؛ مثل تکرار عین واژه، ترادف، تضاد، هم‌نامی، هم‌آوایی، هم‌ریشگی و ساختار نحوی یکسان. تحلیل بلاغی با تشخیص روابط موجود میان عناصر سازنده متن، علاوه بر اثبات پیوستگی کلام، اساساً به دنبال تعیین اشکال گوناگون تقارن است. سه نوع تقارن وجود دارد: الف) توازی یا ساختار موازی؛ وقتی واحدهای یک متن به همان ترتیب نخست بازظهور یابند ($ABC/A`B`C`$)؛ ب) ترکیب دایره‌ای یا حلقوی؛ وقتی واحدهای کوچک به صورت دایره‌ای با مرکز مشترک مرتب شوند ($ABC/X/A`B`C$).

مطابق با نظریه نظم متقارن، عنصر مرکزی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در تفسیر متن دارد (مکوند، ۱۳۹۴، ص ۲۳)؛ ج) نظم آینه‌ای یا معکوس؛ وقتی عنصر مرکزی وجود ندارد ($ABC/C`B`A$)؛ البته این اشکال معادل لف و نشر مرتب و مشوش در بلاغت کلاسیک است (نک. السیوطی، ۱۳۶۷ش، صص ۳۲۰/۳-۳۲۲)؛ بنابراین، در مطالعات اسلامی و قرآنی توجه به این اشکال سابقه داشته است. در بلاغت سامی اجزای کلام به هر سه شکل می‌تواند مرتب شود؛ اما در الگوی رابینسون، اجزای کلام تنها بر اساس یک شکل آن، یعنی صنعت قلب طراحی شده است. صنعت قلب

1. Semitic rhetoric.

2. Symmetry.

عنصر ارجاع میان یک عنصر و عنصر دیگر در متن ارتباط برقرار می‌کند؛ مثل ارتباطی که بین ضمائر و اسامی اشاره و مرجع آنها وجود دارد (Halliday 31-32 and Hasan, 1976). عنصر جایگزینی عبارت است از قرار گرفتن یک عنصر زبانی به جای عنصر زبانی دیگر؛ یعنی به جای تکرار یک کلمه یا عبارت از کلمه و عبارت دیگری استفاده شود (Ibid: 89). هالیدی و حسن عنصر «حذف» را شبیه به عنصر «جایگزینی» می‌دانند و آن را جایگزینی به وسیله هیچ معرفی می‌کنند. آنها معتقدند حذف عناصر جمله بدین معنا نیست که عنصر حذف شده دانسته نشود و مجهول باقی بماند؛ بلکه به وسیله شواهد و قرائن موجود در جمله آشکار می‌شود (Ibid: 142). روابط پیوندی ناظر به روابط معنایی میان عناصر متن است (Ibid: 226) که شامل چهار قسم است: اضافی^۶، تقابلی^۷، سببی^۸ و زمانی^۹ که هر کدام از آنها ادواتی دارند؛ "واو" عطف^{۱۰}، "اما"^{۱۱}، "گرچه"^{۱۲}، "هنوز"^{۱۳}، "بنابراین"^{۱۴}، "زیرا"^{۱۵}، "به همین دلیل"^{۱۶}، "با این حساب"^{۱۷}، "در نتیجه"^{۱۸}، "بدین ترتیب"^{۱۹}، "با این هدف"^{۲۰}، "در نهایت"^{۲۱} و ... (see: ibid, 244-261).

شکلی در ساختمان سوره نمود پیدا کرده که اعم از بررسی فواتح و خواتم سوره است؛ برای مثال، در بررسی عنصر سوگندها و خوشه سوگندها زمانی که آن را در ۴۳ سوره مربوط به دوران نخست مکی واکاوی می‌کند، توضیح می‌دهد از بین این سوره‌ها هفده سوره با قسم آغاز می‌شود (عنصر سوگند در ابتدای سوره قرار گرفته) و هشت سوره در میانه خود مشتمل بر سوگند است (نیورت، ۱۳۹۴ الف، صص ۵۴۵-۵۴۶). خامه‌گر نیز در مرحله کشف غرض سوره به مؤلفه‌هایی توجه دارد که آغاز و پایان سوره‌ها یکی از آنهاست (خامه‌گر، ۱۳۹۵ ش، ص ۳۷۰)؛ البته فواتح و خواتم سوره قرآن کریم از دیرباز محل توجه دانشمندان علوم قرآنی بوده است و اینگونه نیست که برای نخستین بار در الگوهای ساختارشناسی محل تأمل قرار گرفته باشد؛ برای مثال، ابن ابی الاصبغ، دانشمند قرن هفتم، کتابی مستقل با عنوان *اعجاز القرآن، الخواطر السوانح فی اسرار الفواتح* تألیف کرده و در آن به فواتح سوره پرداخته است (نک. ابن ابی الاصبغ، ۱۳۷۹ق). زرکشی و سیوطی نیز هر کدام انواعی را به فواتح و خواتم سوره اختصاص داده‌اند (نک. زرکشی، بی‌تا، صص ۱/ ۲۵۳-۲۷۲؛ السیوطی، ۱۳۶۷ش، صص ۳/ ۳۶۱-۳۶۸). توجه به فواتح و خواتم سوره در سایر الگوها مشاهده نمی‌شود.

۲-۳-۲- انسجام دستوری^۱

انسجام دستوری در الگوی هالیدی و حسن شامل ارجاع^۲، جایگزینی^۳، حذف^۴ و روابط پیوندی^۵ است.

6. additive relations.
7. adversative.
8. causal.
9. temporal.
10. and.
11. but.
12. although.
13. yet.
14. so.
15. because.
16. for this reason.
17. on this account.
18. As a result.
19. so that.
20. for this purpose.
21. recently.

1. Grammatical cohesion.
2. Reference.
3. Substitution.
4. Ellipsis
5. Conjunction.

الگوی نویورت است. او این مهم را از طریق توجه به فواصل آیات انجام می‌دهد و تنوع و تحول فواصل آهنگین را معیاری برای تاریخ‌گذاری می‌داند. نویورت این تقسیم‌بندی و تاریخ‌گذاری را برای سور مکی انجام داده و این سور را از لحاظ بندهای پایانی یا همان فواصل به سه دوره ابتدایی (هشت نوع فاصله)، میانی (هفده نوع فاصله) و متأخر (پنج نوع فاصله) تقسیم کرده است. او معتقد است سوره‌های دوره ابتدایی مکه مسجع‌تر و آهنگین‌ترند و هرچه به پایان دوره مکه نزدیک می‌شویم، با طولانی‌شدن و چندبخشی شدن آیات از موسیقی آن کاسته می‌شود؛ البته او این تحول را نشانه‌ای از گذار به مرحله‌ای جدید در تاریخ زبان عربی می‌داند (نویورت، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۴۱). یکی از عوامل دخیل در ایجاد موسیقی قرآن، فواصل آیات است. فواصل حروفی همانند در پایان کلمات است که معنا را به شکل نیکویی می‌رساند (الرمانی، ۱۹۷۶ م، ص ۹۷). فواصل نقش اساسی در ایجاد موسیقی آیات قرآن و نظم آهنگ آن دارد؛ به‌ویژه در آیات کوتاه به دلیل فاصله نزدیکی که با هم دارد (معرفت، بی تا، ص ۱۶۸/۵)؛ به همین دلیل است که موسیقی سور مکی از سور مدنی بیشتر و گوش‌نوازتر است.

۲-۳-۵- بینامتنیت قرآن و عهدین

این مؤلفه یکی از مؤلفه‌های انسجام برون‌متنی است که ذیل نظریه پیوستگی تعریف می‌شود. واکاوی الگوهای مختلف نشان می‌دهد توجه به عنصر بینامتنیت قرآن و کتاب مقدس تنها در الگوهای متعلق به دانشمندان غربی و غیرمسلمان یافت می‌شود؛ بنابراین، از میان الگوهای مطرح‌شده، الگوی خامه‌گر و الاوی به این عنصر بی‌توجه بوده است. نویورت در

از میان عناصر انسجام دستوری در الگوی هالیدی و حسن، روابط پیوندی و ادوات آن در برخی از الگوها مشاهده می‌شود. خامه‌گر در سیاق‌بندی علاوه بر عنصر تکرار به روابط پیوندی و جایگزینی (بدل) نیز اتکا دارد (خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۱۲). الاوی نیز بر ادوات ربطی همچون "کلاً" و "بل" تأکید دارد و آن دو را از جمله نشان‌گرهای صوری می‌داند که تغییر محتوا را همراهی می‌کنند (الاوی، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۲۴). در الگوهای دیگر اثری از توجه به این مؤلفه یافت نشد.

۲-۳-۳- ساخت نحوی

یکی دیگر از وجوه اختلاف و افتراق الگوهای ساختارشناسی، توجه به ساخت نحوی جملات است. در این میان، نویورت، خامه‌گر و کوپرس از جمله قرآن‌پژوهان ساختارگرایی هستند که به این مؤلفه توجه کرده‌اند. نویورت در برخی موارد ساخت نحوی مفاهیم مطرح‌شده در سور مکی را بررسی و با ساخت نحوی دیگر مفاهیم مقایسه کرده است؛ برای مثال، در بررسی آیات مربوط به آخرت، پس از آنکه محل قرارگرفتن آن را در سوره مشخص کرد، ساخت نحوی آن را که در ابتدای سوره آمده است، اینگونه توصیف می‌کند: اذا+اسم+فعل (اذا الشمسُ گُورَّت) (نویورت، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۴۸). خامه‌گر و کوپرس نیز در مرحله سیاق‌بندی، ساخت نحوی مشابه را یکی از مؤلفه‌های دسته‌بندی آیات یک سوره و تمایز آن از دسته آیات دیگر قرار می‌دهند (خامه‌گر، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۲۰؛ Cuypers, 2011: 8-10).

۲-۳-۴- ساخت موسیقایی

بررسی ساخت موسیقایی آیات و سوره‌ها مختص

۲-۳-۶- محل قرارگرفتن عناصر در ساختمان سوره توجه به این عنصر از مختصات الگوی نیورت است. پیش از این نیز ذیل عنوان بررسی فواتح و خواتم سور آورده شد که بررسی سرآغاز و خاتمه سوره‌ها در الگوی نیورت، اندکی تفاوت دارد؛ زیرا او در مقام بررسی عناصر تشکیل‌دهنده چندین سوره است و یکی از مؤلفه‌هایی که در این مسیر به آن توجه می‌کند، محل قرارگرفتن آن عنصر در ساختمان سوره و مقایسه آن با سور دیگر است؛ برای مثال، او محل قرارگرفتن فقره‌های آخرالزمانی را بخش‌های آغازین و میانی سوره‌ها می‌داند و پنج سوره واقعه، تکویر، انفطار، انشقاق و زلزله را از این حیث با یکدیگر مقایسه می‌کند (نیورت، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۴۸).

۲-۳-۷- التفات (ضمیرگردانی)

از میان الگوهای نام‌برده، مؤلفه ضمیرگردانی، تنها در الگوی الاوی مشاهده می‌شود. ضمیرگردانی یکی از انواع صنعت التفات است. التفات به معنای انتقال کلام از اسلوبی به اسلوب دیگر است. انتقال فعل از ماضی، مضارع و امر به صورت‌های دیگر، یکی دیگر از انواع التفات است (نک. السیوطی، ۱۳۶۷ ش، صص ۲۸۹/۳-۲۹۵). الاوی تغییر ضمیر را معیاری برای تقسیم‌بندی سوره به اجزای کوچک‌تر می‌داند؛ برای نمونه، نخستین قطعه از سوره احزاب (آیات ۱-۸) را به سه زیربخش تقسیم می‌کند که نشانگرِ صوریِ بخش‌بندی میان این تقسیمات، ضمیرگردانی یا همان چرخش ضمیر (یکی از انواع التفات) است؛ به این صورت که در آیات ۱-۳ مخاطب حضرت رسول (ص) است و ضمیر به شکل دوم شخص مفرد به کار رفته است و به باقی افرادی که در مکالمه حضور ندارند، با ضمیر

پژوهشی مقایسه‌ای میان سوره رحمان و مزمو ۱۳۶ انجام داده است. به عقیده او، سوره‌های نخستین نه تنها از لحاظ قالب نظم، از نظر صنایع ادبی و نگرش عبادی گوینده‌اش بازتاب دهنده مزامیر (سروده‌های نیایشی مسیحیت) هستند. علت این شباهت‌ها نیز از دیدگاه او سنت شفاهی و استفاده از مزامیر در مناجات‌ها بوده است (علی‌زاده موسوی، ۱۳۹۹ ش، صص ۲۷-۲۸ به نقل از نیورت). رابینسون در مقاله «عیسی در قرآن، عیسای تاریخی و اسطوره تجسد» در ضمن پاسخ به ادعای برخی خاورشناسان مبنی بر آشفتگی و پراکندگی داستان عیسی (ع) در قرآن، به مقایسه گزارش کتاب مقدس و قرآن از این داستان می‌پردازد و نقاط افتراق آن را در گرو فهم عصری می‌داند (رابینسون، ۱۳۸۳ ش، صص ۱۴۸-۱۶۸)؛ یعنی تفاوت چهره عیسی (ع) در قرآن با کتاب مقدس به تفاوت فهم مخاطب و پیشینه ذهنی او نسبت به این موضوع مربوط می‌شود. کوپرس نیز معتقد است قرآن مشوق یک مطالعه بینامتنی است؛ بنابراین، او به دنبال متونی است که با متن قرآن در زمینه مباحث مختلف دارای اشتراک باشد. او حتی معتقد است متن قرآن برخی از قسمت‌های متون کتاب مقدس را بازنویسی می‌کند (بویس لیوه، ۱۳۸۸ ش، صص ۴۸-۵۲). درحقیقت، او در تفسیر قرآن و بررسی ساختار سور آن بینامتنیت قرآن و عهدین را نیز در نظر می‌گیرد؛ برای مثال، او در تفسیر عبارت «سُبُلُ السَّلَام» در آیه ۱۶ سوره مائده به کتاب مقدس مراجعه کرده است؛ زیرا این اصطلاح در سرود زکریا (انجیل لوقا) به کار رفته است. کوپرس از مقایسه آن دو به این نتیجه رسیده است که آیات سوره مائده نوعی بازخوانی از سروده‌های زکریاست (مکوند، ۱۳۹۴، ص ۲۴ به نقل از کوپرس).

کوپیرس دیده می‌شود، مرتب‌ساختن سیاق‌های سوره براساس نظم متقارن - یکی از انواع نظم در نظریه تحلیل بلاغی - است. به نظر می‌رسد بیشترین اختلاف مربوط به مؤلفه‌هایی است که در مسیر کشف و واکاوی انسجام و پیوستگی متن قرآن به آن توجه شده است. این مؤلفه‌های اختلافی عبارت‌اند از: فواتح و خواتم سوره، ساخت نحوی، ساخت موسیقایی، انسجام دستوری، بینامتنیت قرآن و عهدین، محل قرارگرفتن عناصر در ساختمان سوره و صنعت التفات. تنها مؤلفه مشترک، عنصر تکرار از عناصر انسجام واژگانی و بینامتنیت سوره‌های قرآن است؛ البته توجه به این نکته ضروری است که مؤلفه‌های محل توجه غالباً از الگوی هالیدی و حسن وام گرفته شده‌اند؛ زیرا الگوی یادشده به دلیل تقدم تاریخی، مرجع و اساس الگوهای دیگر قرار گرفته است؛ ازاین‌رو، ردپایی از مؤلفه‌های انسجام دستوری و واژگانی الگوی هالیدی و حسن در الگوهای بعدی دیده می‌شود؛ گرچه همه آنها در یک الگو جمع نشده‌اند. برخی از الگوها نیز به مؤلفه‌هایی توجه کرده‌اند که در الگوی هالیدی و حسن سابقه نداشته است؛ بلکه پیشینه توجه به آنها بسیار کهن‌تر است و قدمت آن به قرون ابتدایی اسلام و مطالعات قرآنی می‌رسد؛ مثل توجه به فواتح و خواتم سوره و موسیقی حاصل از فواصل آیات؛ به‌رحال، باوجود نقاط اشتراک و افتراق الگوها، جملگی به نتیجه واحدی رسیدند و آن انسجام، هماهنگی و تناسب اجزای کلام قرآن، ولو در سوره کوتاه مکی است.

کتابنامه

قرآن کریم

سوم شخص اشاره شده است. در آیه ۴ توالی ضمیرها با افزوده شدن شخصیت‌ها ادامه پیدا می‌کند و مخاطب این قطعه با ظهور ناگهانی ضمیر دوم شخص جمع تغییر می‌کند. در ادامه، یک ضمیر برای شخص جدیدی پدیدار می‌شود که به پیامبر(ص) اشاره دارد که اکنون درباره او صحبت می‌شود و آنگونه که در آغاز بود، خطاب قرار نمی‌گیرد. همان‌طور اعضای جامعه اسلامی دیگر مخاطب نیستند؛ بلکه درباره آنان صحبت می‌شود. به اعتقاد الاوی، ضمیرگردانی نقش چشمگیری در ایجاد معانی کاربرد شناختی دارد و به‌منزله یک نشانگر صوری حاکی از تغییرات محتوایی است (نک. الاوی، ۱۳۹۵ش، صص ۹۶-۱۰۱).

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی شش الگوی مطرح در حوزه ساختارشناسی سوره‌های قرآن کریم، این نتیجه حاصل شد که الگوهای نام‌برده در مبانی نظری، روش کشف انسجام و مؤلفه‌های مورد توجه، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. در مبانی نظری، جملگی، انسجام و تناسب کلام را در سوره مکی و کوتاه قرآن مفروض دانسته‌اند. در این میان، تنها نویورت نظام‌مندی سوره مدنی را باور ندارد. در میان مبانی نظری، علاوه بر باور به انسجام سوره مدنی، اعتقاد به وحدت موضوعی سوره‌ها، توجه به ماهیت شفاهی قرآن و اعتقاد به توقیفی بودن چینش آیات و سوره‌ها محل اختلاف است. در روش کشف و نمایش انسجام سوره قرآن، سه مرحله در همه الگوها مشاهده می‌شود؛ سیاق‌بندی، توجه به عناصر صوری به‌همراه عناصر محتوایی و لحاظ نظریه پیوستگی در کنار نظریه انسجام. تنها روشی که فقط در الگوی رابینسون و

حکم‌آبادی، حجت‌الله و عباس اسماعیلی‌زاده.
 (۱۳۹۸ش). کشف استدلالی ساختار و غرض سوره
 مبارکه احزاب. کتاب‌قیم، ۲۱، ۷-۳۸.
 خامه‌گر، محمد. (۱۳۹۵ش). ساختار هندسی
 سوره‌های قرآن کریم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 (۱۳۹۷ش). تفسیر ساختاری قرآن
 کریم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 (۱۳۹۸ش). تفسیر ساختاری سوره
 بینه با تبیین قواعد روش تفسیر ساختاری سوره‌های
 قرآن. نشریه علمی مطالعات تفسیری، ۱۰ (۳۷)، ۱۷۳-
 ۱۹۰.
 دهقانی فارسانی، یونس. (۱۳۷۸ش). ساختار سوره
 انشقاق. فصلنامه بلاغ مبین، ۱۴، ۴-۱۴.
 رایبسنون، نیل. (۱۳۹۱ش). دستان باز؛ قرائتی
 دوباره از سوره مائده. ترجمه محمدکاظم شاکر و انسیه
 عسگری. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۱۸ (۱)، ۱۵۶-
 ۱۸۹.
 (۱۳۸۳ش). عیسی در قرآن. عیسی
 تاریخی و اسطوره تجسد. ترجمه محمدکاظم شاکر.
 هفت آسمان، ۶ (۲۴)، ۱۴۸-۱۶۸.
 الرمانی، علی بن عیسی، الخطابی، حمد بن محمد
 و عبدالقاهر الجرجانی. (۱۱۱۹ق). ثلاث رسائل فی
 اعجاز القرآن. تحقیق و تعلیق محمد خلف‌الله و دکتر
 محمد زغلول سلام. مصر: دارالمعارف.
 الرمانی، علی بن عیسی. (۱۹۷۶). التکت فی
 اعجاز القرآن. مصر: دارالمعارف.
 زانوس، احمدپاشا و مریم نبی‌پور. (۱۳۹۶ش).
 عوامل انسجام در سوره زلزال (براساس نظریه هالیدی
 و حسن). پژوهش‌نامه معارف قرآنی (آفاق دین)، ۸
 (۳۰)، ۸۱-۱۰۲.

ابن ابی الاصبیح مصری. (۱۳۷۹ق). من اعجاز
 القرآن، الخواطر السوانح فی اسرار الفواتح. تقدیم و
 تحقیق دکتر حنفی محمد شرف. بی‌جا.
 اقبالی، عباس، صیادی نژاد، روح‌الله و محمدحسین
 فاضلی. (۱۳۹۶ش). تحلیل انسجام واژگانی در سوره
 عنکبوت. پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن، ۶ (۱)، ۹۱-
 ۱۱۰.
 الاوی، سلوی محمد. (۱۳۹۵ش). روابط متنی در
 قرآن: ربط. پیوستگی و ساختار. ترجمه سید اکبر
 جلیلی. تهران: نشر نویسه پرسی.
 امرایی، محمدحسن. (۱۳۹۸ش). تحلیل انسجام
 غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبان‌شناختی
 نقش‌گرا. ذهن، ۷۷، ۷۷-۲۱۵، ۲۴۴.
 ایشانی. طاهره و معصومه نعمتی قزوینی.
 (۱۳۹۲ش). بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف
 با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا. انجمن ایرانی زبان و
 ادبیات عربی، ۲۷، ۶۵-۹۵.
 بل، ریچارد. (بی‌تا). درآمدی بر تاریخ قرآن. ترجمه
 بهاء‌الدین خرمشاهی. مرکز ترجمه قرآن.
 بويس لیوه، آنه سیلوی. (۱۳۸۸ش). خوانشی از
 پنجمین سوره قرآن. ترجمه مرضیه سلیمانی. ماهنامه
 کتاب ماه دین، ۱۴۹، ۴۸-۵۲.
 توکلی محمدی، نرجس و اعظم پویازاده.
 (۱۳۹۶ش). واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات
 پیوستگی متن قرآن با تأکید بر رهیافت نیل رایبسنون.
 مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۱ (۴)، ۲۵-۵۴.
 حسینی، بی‌بی زینب، قائمی اصل، حسین و نجمه
 زنجبری. (۱۳۹۶ش). جایگاه روش تفسیر ساختاری
 در فهم قرآن کریم. پژوهش‌نامه پژوهش‌های
 زبان‌شناختی قرآن، ۱۱، ۱۰۴-۱۱۴.

محمدعلی نژاد عمران و روح الله و حسام امامی دانلو. (۱۳۹۸ش). تبیین پیوستگی آیات سوره علق براساس روش نیل رابینسون. علم زبان، ۶ (۸)، ۳۰۲-۲۷۹.

مختاری نژاد، قاسم و روح‌انگیز خدابخش. (۱۳۹۷ش). تحلیل زیبایی‌شناسی آیات قرآن کریم برپایه عنصر انسجام و پیوستگی بررسی نمونه‌ای سوره های جزء سی‌ام. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۷ (۱)، ۱۰۷-۱۲۶.

مسیبوق، مهدی و شهرام دلشاد. (۱۳۹۵ش). بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا. پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۴ (۱)، ۱۱۴-۱۲۹.

مشکین فام، بتول و معصومه رحیمی. (۱۳۹۸ش). نقش تکرار در انسجام بخشی به سوره هود با تکیه بر الگوی هالیدی و حسن. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۶ (۴)، ۱۶۵-۲۰۰.

معرفت، محمدهادی. (بی تا). التمهید فی علوم القرآن. قم: ناشر مؤسسه النشر الاسلامی.

مکوند، محمد و محمدکاظم شاکر. (۱۳۹۴ش). بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کویپرس. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های قرآنی، ۲۰ (۲)، ۴-۳۳.

ملاً ابراهیمی، عزت و زهرا رضایی. (۱۳۹۹ش). کارایی نظریه هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل. مطالعات ادبی علوم اسلامی، ۲۴، ۴-۲۹.

نویورت، آنگلیکا. (۱۳۹۴الف). شکل و ساختار قرآن. ترجمه نصرت نیل‌ساز. تهران: انتشارات حکمت.

نیل‌ساز. تهران: انتشارات حکمت.

الزركشى، محمد بن عبدالله. (بی تا). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه.

سارلی، ناصر قلی و طاهره ایشانی. (۱۳۹۰ش). نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان). زبان پژوهی دانشگاه الزهراء. ۲ (۴)، ۵۱-۷۷.

سیدی، سید حسین و سمیه بیگ قلعه جویی. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس براساس الگوی فرانقش متنی هالیدی. پژوهش‌های ادبی - قرآنی، ۷ (۱۲۱)، ۱۰۹-۱۲۹.

السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۳۶۷ش). الاتقان فی علوم القرآن. تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم. قم: منشورات الرضی - بیدار.

شیرازی، معصومه، نیل‌ساز، نصرت و محمدعلی لسانی فشارکی. (۱۳۹۸). رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن: سیر تحول تاریخی؛ ویژگی‌ها؛ زمینه‌ها. فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۶ (۱)، ۱۶۷-۱۹۷.

علی‌زاده موسوی و سید حامد (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه آنگلیکا نویورت درباره رابطه قرآن با کتاب مقدس (مطالعه موردی سوره الرحمن و مزمور ۱۳۶). پژوهش‌های قرآنی، ۲۵ (۱)، ۲۵-۴۴.

غروی، سعیده. (۱۳۹۴ش). تفسیر ساختاری سوره یس با تأکید بر تفسیر المیزان. مطالعات تفسیری، ۶ (۲۱)، ۱۰۳-۱۲۲.

الکرماني، محمود بن حمزه. (بی تا). اسرار التکرار فی القرآن. مصر: دارالفضیله.

محمدعلی نژاد عمران، روح الله. (۱۳۹۹ش). تبیین پیوستگی آیات سوره سبأ براساس روش نیل رابینسون. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۴ (۲)، ۹۱-۱۱۷.

- Amrayi, Mohammad Hassan. (2019). Analysis of non-structural coherence in Surah Layl with a Functional linguistic approach. *Mind*, 77, 215-244.
- Ishani, Tahereh and Masoumeh Nemati Qazvini. (2013). Investigating the coherence in Surah Saf with a Functional linguistic approach. *Iranian Association of Arabic Language and Literature*, 27, 65-95.
- Bell, Richard. (n.d). *An Introduction to the History of the Qur'an*. Translated by Baha al-Din Khorramshahi. Quran Translation Center.
- Boise Liwe, Anne Silvi. (2009). A reading of the fifth surah of the Quran. Translated by Marzieh Soleimani. *Monthly Book of Religion Monthly*, 149, 48-52.
- Tavakoli Mohammadi, Narjes and Azam Pouyazadeh. (2017). An analysis of the function of discourse analysis in proving the coherence of Qur'anic text with emphasis on Neil Robinson's approach. *Quranic Studies and Islamic Culture*, 1 (4), 25-54.
- Hosseini, Bibi Zeinab, Ghaemi Asl, Hossein and Najmeh Zanjbari. (2017). The role of structural interpretation method in understanding the Holy Quran. *Journal of Quranic Linguistic Research*, 11, 104-114.
- Hakamabadi, Hojjatullah and Abbas Ismaili Zadeh. (2019). Discovering the structure and purpose of Surah Al-Ahzab. *Book of Gayyim*, 21, 7-38.
- Khameh gar, Muhammad. (2016). *Geometric structure of the Holy Quran*. Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- (2018). *Structural interpretation of the Holy Quran*. Qom: Seminary and University Research Institute.
- (2019). Structural Interpretation of Surah Biynah by explaining the rules of structural interpretation of Quranic Surahs. *Journal*
- ولیئی، یونس، میرزایی الحسینی، سید محمود و محمد فرهادی. (۱۳۹۵ش). عوامل انسجام متنی در سوره نوح. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۵ (۱)، ۸۶-۶۹
- Cuyppers, Michel. (2008). *The Banquet. A Reading of the fifth Sura of the Qur'an*. École Pratiques des Hautes Études. Paris.
- (2011). Semitic Rhetoric as a Key to the Question of the nazm of the Qur'anic Text. *Journal of Quranic Studies*. P 1-24.
- Neuwirth, Angelika. (2002). "Form and Structure of the Quran", *Encyclopedia of the Quran*, General Edi-tor: Jane Dammen McAuliffe, vol. 2, pp.245-266, Leiden.
- Robinson, Neal. (2003). *Discovering the Quran: A contemporary approach to a veiled text*. Washington D C: Georgetown University Press.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (1976). *Cohesion in Eenglish*. Longman Group Lrd.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (1989). *Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective*. Oxford University Press.

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Abi Al-Isba Al-Misri. (1379 AH). *Al-Khawatir al-Sawanih fi Asrar al-Fawatih*. Investigated by Dr. Hanafi Mohammad Sharaf. N.p.

Eghbali, Abbas, Sayadinejad, Ruhollah and Mohammad Hossein Fazeli. (2017). Analysis of lexical coherence in Surah Ankabut. *Journal of Quran Interpretation and Language*. 6 (1), 91-110.

Alawi, Salva Muhammad. (2016). *Textual relations in the Qur'an: relevance, Cohesion and structure*. Translated by Sayyid Akbar Jalili. Tehran: Neviseh Parsi Press.

- Ibrahim. Qom: Al-Radhi - Bidar Press.
- Shirazi, Masoumeh, Nilsaz, Nusrat and Mohammad Ali Lisani Fesharaki. (2019). Orientalists' approaches to the issue of Qur'an coherence: historical streamology; Attributes; grounds. *Quarterly Journal of Quranic and Hadith Research, Al-Zahra University*, 16 (1), 167-197.
- Alizadeh Mousavi and Seyed Hamed (2020). A Study of Angelika Neuwirth's View on the Relationship between Qur'an and Bible (Case Study: Surah Ar-Rahman and Psalm 136). *Quranic Studies*, 25 (1), 25-44.
- Gharavi, Saeedeh. (2015). Structural interpretation of Surah Yasin with emphasis on Al-Mizan interpretation. *Interpretive Studies*, 6 (21), 103-122.
- Al-Kermani, Mahmoud bin Hamza (n.d). *Secrets of repetition in the Qur'an*. Egypt: Dar al-Fadhilah.
- Mohammad Ali Nejad Imran, Ruhollah. (2020). Explanation of the coherence of the verses of Surah Saba based on Neil Robinson's method. *Quranic Studies and Islamic Culture*, 4 (2), 91-117.
- Mohammad Ali Nejad Imran and Ruhollah and Hesam Emami Danalo. (2019). Explaining the coherence of the verses of Surah Al-Alaq based on Neil Robinson's method. *Language Science*, 6 (8), 302-279.
- Mokhtarinejad, Qasim and Rouhangiz Khodabakhsh. (2018). Aesthetic analysis of the verses of the Holy Quran based on coherence and cohesion. *Linguistic Research of the Qur'an*, 7 (1), 107-126.
- Masbuq, Mehdi and Shahram Delshad. (2016). Investigating the elements of text coherence in the story of Prophet Moses with a Functional linguistic approach. *Literary-Quranic Research*, 4 (1), 114-129.
- Meshkinfam, Batool and Masoumeh Rahimi. (2019). The role of repetition in integrating Surah Hood by relying on Halliday's theory and Hassan. *Research of Interpretive Studies*, 10 (37), 173-190.
- Dehghani Farsani, Younes. (1999). The structure of Surah Al-Inshiqaq. *Quarterly journal Balagh Mobin*, 14, 4-14.
- Robinson, Neil. (2012). Open hands; Rereading of Surah Ma'idah. Translated by Mohammad Kazem Shaker and Ensieh Asgari. *Quarterly Journal of Quranic Studies*, 18 (1), 156-189.
- (2014). Jesus in the Quran. Historical Jesus and the myth of the Incarnation. Translated by Mohammad Kazem Shakir. *Seven Heavens*, 6 (24), 148-168.
- Al-Ramani, Ali ibn Isa, al-Khattabi, Hamad ibn Muhammad and Abdul Qahir al-Jurjani. (1119 AH). *Thirty letters in the miracle of the Qur'an*. Investigated by Mohammad Khalaf Allah and Dr. Mohammad Zaghloul Salam. Egypt: Dar Al-Maaref.
- Al-Rumani, Ali ibn Isa. (1976). *Points in the miracle of the Qur'an*. Egypt: Dar al-Maarif of Egypt.
- Zanus, Ahmad Pasha and Maryam Nabipour. (2017). Factors of coherence in Surah Zalzal (based on Halliday's theory and Hassan). *Journal of Quranic Knowledge (Afaq-e-Din)*, 8 (30), 81-102.
- Al-Zarqashi, Muhammad bin Abdullah (n.d). *Al-Burhan fi Ulum Al-Quran*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Sarley, Nasser Gholi and Tahereh Ishani. (2011). The theory of coherence and coordination and its application in a minimal Persian story (ladder story). *Linguistics of Al-Zahra University*. 2 (4), 51-77.
- Sayedi, Seyed Hossein and Somayeh Beig Qal'eh joui. (2019). Discourse analysis of two surahs of Falaq and Nas based on Holliday textual paradigm pattern. *Literary-Quranic Research*, 7 (121), 109-129.
- Al-Suyuti, Jalaluddin Abdul Rahman (1988). *Al-Itqan fi Ulum Al-Qur'an*. Investigated by Mohammad Abolfazl

- Qur'an*, 5 (1), 69-86.
- Cuyppers, Michel. (2008). *The Banquet. A Reading of the fifth Sura of the Qur'an*. École Pratiques des Hautes Études: Paris.
- (2011). Semitic Rhetoric as a Key to the Question of the nazm of the Qur'anic Text. *Journal of Qur'anic Studies*. P 1-24.
- Neuwirth, Angelika. (2002). "Form and Structure of the Quran", *Encyclopedia of the Quran*, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, vol. 2, pp.245-266, Leiden.
- Robinson, Neal. (2003). *Discovering the Quran: A contemporary approach to a veiled text*. Washington D C: Georgetown University Press.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (1976). *Cohesion in English*. Longman Group Ltd.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. (1989). *Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective*. Oxford University Press.
- (2015a). *Form and structure of the Quran*. Translated by Nusrat Nilsaz. Tehran: Hekmat Press.
- (2015b). *Surah*. Translated by Nusrat Nilsaz. Tehran: Hekmat Press.
- Valiei, Younes, Mirzaei Al-Husseini, Seyed Mahmoud and Mohammad Farhadi. (2016). Factors of textual coherence in Surah Nooh. *Linguistic Research of the in Quranic and Hadith Sciences*, 16 (4), 165-200.
- Ma'rifah, Mohammad Hadi (n.d). *Al-Tamhid fi Ulum Al-Qur'an*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Makvand, Mohammad and Mohammad Kazem Shakir. (2015). Rereading the coherence of Qur'anic text in the light of symmetric order theory with emphasis on Michel Kuipers' view. *Journal of Quranic Studies*, 20 (2), 4-33.
- Mullah Ebrahimi, Ezzat and Zahra Rezaei. (2020). The effectiveness of Halliday and Hassan theory in illustrating the textual coherence of Surah Muzmal. *Literary Studies of Islamic Sciences*, 24, 4-29.